

## آثار جهانی شدن بر مدیریت دولتی در ایران

فرج‌اله رهنورد<sup>۱</sup>، مرضیه محبی دلیگانی<sup>۲</sup>

**چکیده:** تحولاتی که جهانی شدن در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایجاد می‌کند، بی‌شک آثاری را نیز بر مدیریت دولتی هر کشوری به جا می‌گذارد. هدف این پژوهش، بررسی آثار جهانی شدن بر مدیریت دولتی از دید خبرگان مدیریت دولتی در ایران است. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است و با رویکرد قیاسی به صورت مقطعی و پیمایشی اجرا شده است. جامعه آماری آن ۹۲ نفر از استادان مدیریت دولتی دانشگاه‌های شهر تهران است. با توجه به جدول مورگان، از این تعداد ۷۵ خبره برای حجم نمونه انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها در اختیار آنان قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد در ایران، جهانی شدن در ابعاد فرهنگی / فنی تحقق یافته، ولی هنوز در ابعاد اقتصادی و سیاسی / اجتماعی محقق نشده است. نتایج نشان‌دهنده تسلط دیدمان اداره امور عمومی سنتی در ایران است. در نهایت، ابعاد سیاسی / اجتماعی و فرهنگی / فنی جهانی شدن بر مؤلفه‌های پایه نظری و ذی‌نفعان اداری مدیریت دولتی اثرگذار است و بُعد اقتصادی بر مؤلفه‌های پاسخگویی و اختیارات اداری تأثیر می‌گذارد، اما بر سایر مؤلفه‌های مدیریت دولتی هنوز تأثیری نداشته است.

**واژه‌های کلیدی:** اداره امور عمومی سنتی، جهانی شدن، مدیریت ارزش‌های همگانی، مدیریت دولتی نوین، مدیریت دولتی.

۱. دانشیار مدیریت دولتی، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران
۲. کارشناس ارشد مدیریت دولتی، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۰۶/۲۸

نویسنده مسئول مقاله: مرضیه محبی دلیگانی

E-mail: m.mohebi275@gmail.com

### مقدمه

در دهه‌های اخیر، به‌خصوص پس از فروپاشی بلوک شرق و غرب، جهانی‌شدن به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر مدیریت دولتی که هیچ دولتی نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد، پدید آمد و موضوع آثار جهانی‌شدن بر مدیریت دولتی را فراروی محققان قرار داد. جهانی‌شدن شکل تازه‌ای به روابط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی داد و همه دولت‌ها و دولت‌مردان را در برابر این پدیده رو به رشد به فکر فرو داشت؛ به‌طوری که اغلب دولت‌ها از پیله دیدگاه‌های سنتی خود درآمدند و به سوی دهکده جهانی حرکت کردند.

هرچند در خصوص اثرهای جهانی‌شدن بر مدیریت دولتی اتفاق نظر وجود دارد، در نوع و چگونگی آثاری که بر جای می‌گذارد میان دانشمندان اختلاف نظر شایان توجهی مشاهده می‌شود. برای مثال فرازمند (۱۹۹۹) معتقد است جهانی‌شدن، پارادایم‌های فکری جدیدی را شکل می‌دهد. به‌دنبال آن، جریست (۲۰۰۵) به این نتیجه رسیده است که مدیریت دولتی برای مواجهه با جهانی‌شدن، باید از دیدگاه سنتی خود بیرون بیاید و با رویکرد تطبیقی به جلو حرکت کند. دنهارت و دنهارت (۲۰۰۰) بر تغییر نگرش از مشتری‌مداری به شهروندگرایی تأکید دارند. از سوی دیگر، جهانی‌شدن در قرن بیست‌ویک بحران‌های حاکمیت (گوگیس، ۲۰۱۳) و پاسخگویی را به‌وجود آورد که در نتیجه این دو بحران، بحران سومی به نام مشروعیت ایجاد شد (هودلستون، ۲۰۰۰؛ فرازمند، ۲۰۰۹). همچنین کستل (۲۰۰۸) علاوه بر بحران مشروعیت، بحران‌های عدالت، بهره‌وری و هویت را از آثار دیگر جهانی‌شدن می‌داند. در حالیکه گوکسل (۲۰۰۴) معتقد است جهانی‌شدن برای دولت‌ها همراه خود بحران حاکمیت به ارمغان نمی‌آورد و همچنان قدرت دولت‌ها، در مواجهه با این پدیده به قوت خود باقی است.

در سال‌های اخیر، مدیریت دولتی در ایران نیز با گسترش پدیده جهانی‌شدن با چالش‌هایی مواجه شده است. برخی اندیشمندان آن را با رویکرد جهانی‌سازی، پدیده منفی تلقی می‌کنند و گروهی دیگر بر روند طبیعی آن تأکید دارند (انزایامبی، ۲۰۰۱؛ فیس و هیرش، ۲۰۰۵). شیرودی (۱۳۸۴) با نگاه انتقادی، تهدیدهای جهانی‌شدن را تضعیف حاکمیت دولت، جذب سرمایه‌گذاران ایرانی و تحمیل فرهنگ غرب در ایران می‌داند. از سوی دیگر، بیات و آزادواری (۱۳۸۹) در پژوهشی برای بررسی تأثیر جهانی‌شدن بر هویت ملی در ایران، به این نتیجه رسیدند که جوانان در برابر پدیده جهانی‌شدن هویت ملی خود را حفظ کرده و در برابر آن مقاومت می‌کنند.

با توجه به ابتدای تدوین برنامه چهارم توسعه، قانون مدیریت خدمات کشوری و برنامه‌های تحول اداری بر مدیریت دولتی نوین در ایران، این سؤال مطرح می‌شود که تا چه حد اصلاحات

اداری و جهت‌گیری‌های توسعه را می‌توان به جهانی شدن یا بین‌المللی شدن نسبت داد. مطالعات پیر (۲۰۱۳) نشان می‌دهد در ژاپن، اصلاحات اداری مبتنی بر مدیریت دولتی نوین توسط نقش آفرینان یا مؤسسه‌های خارجی تحمیل شده است. اصلاحات اداری در سوئد هرچند شبیه ژاپن است، به تدریج و در طول زمان شکل گرفته است (وابستگی مسیر). در آمریکا اصلاحات اداری از مدل‌های شرکتی، مدیریت و مشتری‌مداری نشئت گرفته است.

با امعان نظر به مطالب پیش گفته، می‌توان گفت بررسی تأثیرگذاری جهانی شدن بر مدیریت دولتی، به تحقیقات تکمیلی نیاز دارد؛ بنابراین، سنجش آثار جهانی شدن بر مدیریت دولتی به صورت کمی، مسئله کلیدی این پژوهش است. همچنین نحوه سنجش جهانی شدن و مدیریت دولتی از جنبه‌های مجهول دیگر این پژوهش محسوب می‌شود. این تحقیق آثار عینی جهانی شدن بر مدیریت دولتی را با رویکردی تجربی به بحث نمی‌گذارد، اما به کمک بررسی دیدگاه نخبگان مدیریت دولتی درباره این آثار، تلاش می‌کند این تأثیرگذاری را با رویکرد تفسیری مطالعه کند. نتایج این تحقیق می‌تواند در تدوین خط‌مشی‌های ملی و راهبردهای سازمانی کمک کننده باشد. گفتنی است، هیچ‌یک از تحقیقات مطالعه‌شده با رویکرد کمی به این موضوع نپرداخته‌اند و هریک از صاحب‌نظران، دیدگاه‌های خود را به صورت تفسیری بیان کرده‌اند.

### پیشینه پژوهش

در خصوص اثرهای جهانی شدن بر مدیریت دولتی، مطالعات محدودی صورت گرفته است. نتایج پژوهش سزن (۲۰۰۱) نشان می‌دهد بیش از دو دهه است که دولت ترکیه به‌منظور تقویت اقتصاد بازار آزاد، روند بازسازی را طی می‌کند. مهم‌ترین پیامد این بازسازی، سازمان‌های نظارتی و نقش مهم آنها در تصمیم‌گیری‌های حوزه سیاسی است. در ترکیه نقش دولت از مداخله‌گر به نظارتی تغییر یافته است که نماد آن به صورت برنامه‌های کاربردی خصوصی‌سازی و مقررات‌زدایی، تضعیف نقش دولت در تولید، تجمع و توزیع و ایفای نقش نظارتی خود به خط مقدم است. به طور مشابه، هیوک و یپ (۲۰۰۳) معتقدند رقابت در اقتصاد جهانی موجب بازسازی اداری در جهت ساده و کوچک‌سازی توسط رهبران حکومت چین شده است. نقش قدرتمند کمیسیون برنامه‌ریزی دولت، برای محدود کردن دخالت خود بازتعریف شد. مقامات بر پیش‌نویس و اجرای قوانین و مقررات جدید به‌منظور پاسخگویی به نیازهای اقتصاد بازار در حال توسعه و طراحی مدلی مناسب برای تنظیم تنوع نیروی بازار تمرکز کرده‌اند. عمل برون‌سپاری و توانمندسازی کارکنان بخشی از اصلاحات در دو دهه اخیر چین است.

مینو (۲۰۱۳) معتقد است جهانی شدن موجب کارایی، بهره‌وری، مشتری‌مداری، افزایش رقابت بخش دولتی با بخش خصوصی، محدود شدن دامنه بخش دولتی به دلیل سرمایه‌گذاران خارجی، تمرکز نداشتن، افزایش تعامل بخش خصوصی با بخش دولتی، پیشرفت در بخش فناوری، جایگزینی امنیت شغلی با کوچک‌سازی، کم‌شدن موانع ورود به بخش دولتی، مقررات‌زدایی و افزایش دامنه بخش خصوصی به‌ویژه در شرکت‌های چندملیتی شده است. از سوی دیگر، کاهش تعداد مشاغل، افزایش تعداد تقلب، افزایش جرایم اینترنتی، افزایش مشکلات ایمنی داخلی و خارجی، تأثیرات منفی بحران جهانی شدن بر صنعت هند است. در تکمیل آن، ابراهیم (۲۰۱۳) تعدادی از آثار منفی جهانی شدن بر آفریقا را کاهش قدرت مذاکره بین‌المللی آفریقا و توانایی مانور در نظام بین‌المللی، فرسایش حاکمیت دولت به‌خصوص در مسائل اقتصادی و مالی و در نتیجه اعمال مدل‌ها، استراتژی‌ها و سیاست‌های توسعه در کشورهای آفریقایی توسط صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و... آزادی نیروی کار و تسهیل «فرار مغزها» در کشورهای در حال توسعه در نتیجه کاهش بیشتر ظرفیت انسانی خود و... بیان می‌کند. البته وی به تعدادی از آثار مثبت جهانی شدن نیز اشاره کرده است که عبارت‌اند از: آسان‌سازی تعامل بین کشورها و مردم از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات، آزاد کردن تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی و مسئولیت‌پذیری بیشتر رهبران نسبت به مردم خود و فشار به اتخاذ اقداماتی که مخالف با احساسات و عواطف اغلب مردم است.

### تعریف مدیریت دولتی<sup>۱</sup>

در خصوص مدیریت دولتی تعاریف بسیاری شده است. برخی از اندیشمندان ادعا کرده‌اند که مدیریت دولتی بخشی از مدیریت است و نظریه مناسب به‌منظور بررسی و مطالعه آن، نظریه مدیریت عمومی است. والدو (۱۹۷۵) معتقد است که مدیریت دولتی نوعی حرفه است و از رشته‌های مختلف و دیدگاه‌های گوناگون نشئت می‌گیرد. دنهارت (۱۹۸۴) مدعی است که در تعریف مدیریت دولتی باید بر سازمان‌های دولتی تمرکز شود نه مدیریت نهادهای دولتی. به سخن دیگر، باید مدیریت دولتی را به‌عنوان فرایند دید نه‌فعالیتی که درون یک مؤسسه دولتی رخ می‌دهد. در نتیجه دنهارت مدیریت دولتی را به مدیریت تغییر در پیگیری ارزش‌های اجتماعی مورد توافق عمومی تعریف می‌کند. این دیدگاه مدیریت دولتی را در نقش طراحی و اجرای ارزش‌های اجتماعی قرار می‌دهد و نوعی مبنای اخلاقی را برای مدیریت دولتی فراهم می‌کند.

به‌زعم توماری مدیریت دولتی را می‌توان به‌عنوان دستگاه دولت از جمله کارکنان، تجهیزات و فرایندهای اداری طراحی شده برای کمک به شکل‌گیری و اجرای سیاست‌های عمومی دولتی تعریف کرد (آکیندل، اولاپا و ست اوبیان، ۲۰۰۲)؛ در حالی که آدریگی، مورناکیچی، اولا و اولوافمی (۲۰۱۴) مدیریت دولتی را تحقق یا اجرای سیاست عمومی توسط مقامات شایسته تعریف کرده‌اند.

جانسون معتقد است (۲۰۱۵) مدیریت دولتی اصطلاحی است برای تعریف ترتیبات سازمانی و رویه‌ای رسمی که تحت آن کارمندان دولتی با به‌کارگیری و ارائه مشاوره در سیاست و مدیریت منابع، به دولت خدمت می‌کنند. جنبه‌های سازمانی، هم به ساختارهای کلی و هم به روابط درون مدیریت دولتی اشاره دارد.

از دیدگاه ماروم (۲۰۱۶)، مدیریت دولتی تلاش گروهی همکارانه در محیط عمومی است؛ هر سه شاخه مجریه، مقننه و قضائیه و ارتباط متقابل آنها را پوشش می‌دهد؛ نقش مهمی در تدوین سیاست‌های عمومی دارد و در نتیجه بخشی از روند سیاسی است؛ در روش‌های شایان توجهی از مدیریت خصوصی متفاوت است و از نزدیک با افراد و گروه‌های خصوصی متعدد در ارائه خدمات به جامعه مرتبط است. بنابراین در مجموع می‌توان گفت که اندیشمندان یادشده بر مدیریت مسائل عمومی با هدف تأمین منافع عمومی در تعریف مدیریت دولتی تأکید دارند.

### سنجش مدیریت دولتی

در خصوص سازه‌های مدیریت دولتی توافق چندانی بین اندیشمندان وجود ندارد. می‌هن، هس و آدامز و دنهارت و دنهارت سیر تحول ادبیات مدیریت دولتی را در سه دیدمان اداره امور عمومی سنتی، مدیریت دولتی نوین و حکمرانی خوب مقایسه کرده‌اند.

می‌هن (۲۰۰۳) دیدمان‌های اداره امور عمومی سنتی، مدیریت دولتی نوین و حاکمیت شهروندمدار را در مؤلفه‌هایی از قبیل بافت، جمعیت‌شناختی، نیازها/مسائل، استراتژی، حکومت‌کردن از طریق و بازیگران مختلف مقایسه می‌کند؛ در حالی که هس و آدامز (۲۰۰۷) با توجه به انتقال دیدمانی و روند تغییرات در ماهیت مدیریت دولتی، مدیریت دولتی را در سه دیدمان بوروکراسی، مدیریت دولتی نوین و حاکمیت اجتماعی در مؤلفه‌هایی همچون تئوری، گرایش، ساختار سازمانی، هدف، نوع دانش، زبان، سرمایه و مردم، به مقایسه پرداخته‌اند. همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌کنید، دنهارت و دنهارت، سیر تحول مدیریت دولتی را از اداره امور عمومی سنتی به مدیریت دولتی نوین و سپس ارزش‌های همگانی در نظر گرفتند.

## جدول ۱. مقایسه دیدمان‌های مدیریت دولتی از دید دنهارت و دنهارت

ارزش‌های همگانی	مدیریت دولتی نوین	اداره امور عمومی سنتی	دیدمان‌ها مؤلفه‌ها
نظریه‌های مردم‌سالاری، رویکرد کثرت‌گرایانه به دانش از جمله پوزیتیویستی، تفسیری، انتقادی و پست‌مدرن	نظریه‌های اقتصادی، علوم اجتماعی پوزیتیویستی و اثبات‌گرا (اصالت تجربه)	نظریه‌ها و مفاهیم علوم سیاسی اجتماعی	مبانی نظری و معرفت‌شناختی
عقلانیت راهبردی، آزمون متعدد عقلانیت (سیاسی، اقتصادی و سازمانی)	عقلانیت اقتصادی و فنی، انسان اقتصادی، تصمیم‌گیرنده در جست‌وجوی منافع شخصی	عقلانیت و انسان اداری	عقلانیت و سبک رفتاری غالب
منافع عمومی نتایج گفتمان نسبت به ارزش‌های مشترک است	منافع عمومی تجمیع منافع شخصی افراد جامعه است	منافع عمومی به‌طور سیاسی در قانون تعریف و بیان شده	چگونگی تبیین منافع عمومی
جوابگویی خدمتگزاران دولت در قبال شهروندان	وظیفه‌شناسی در قبال مشتریان	وظیفه‌شناسی در قبال دولت و ارباب‌رجوع	جوابگویی
خدمت‌کردن: دولت به توانمندسازی شهروندان و ایجاد ارزش‌های مشترک میان آنان	هدایت کردن: دولت تسهیل‌کننده و راهبر نیروهای بازار است	پارو زدن: دولت با رویکرد تصدی‌گری به اجرای خط‌مشی‌ها و ارائه کالاهای و خدمات می‌پردازد.	نقش دولت
سازوکار پیوندی و ایجاد ائتلاف میان سازمان‌های دولتی، خصوصی و غیرانتفاعی	ایجاد سازوکارها و مشوق‌های لازم برای دستیابی به اهداف سیاسی از طریق مشارکت بخش خصوصی و غیرانتفاعی	اجرای سازوکارهای اداری از طریق سازمان‌های دولتی موجود	خط‌مشی‌های دستیابی به اهداف
پاسخگویی چندجانبه: پاسخگویی مدیران دولتی در قبال قانون، ارزش‌های اجتماعی، هنجارهای سیاسی، منافع عمومی، استانداردهای حرفه‌ای و حقوق شهروند	پاسخگویی بازارمحور: مدیران دولتی باید پاسخگوی مشتریان باشند	پاسخگویی سلسله‌مراتبی: مدیران دولتی باید به رهبران سیاسی که با روش مردم‌سالاری انتخاب شده‌اند پاسخگو باشند	رویکرد پاسخگویی
اختیارات ضروری اما محدود، توأم با پاسخگویی	مقامات اداری به‌منظور تحقق اهداف کارآفرینانه، آزادی عمل گسترده‌ای دارند	مقامات اداری، آزادی عمل محدودی دارند	اختیار مقامات اداری
ساختار شبکه‌ای مبتنی بر همکاری‌های متقابل ذی‌نفعان درون و بیرون سازمان	سازمان‌های نامتمرکز و منعطف	سازمان‌های دیوان‌سالار با اقتدار از بالا به پایین و تأکید بر مقررات	ساختار سازمانی
خدمات عمومی، خواست جدی برای کمک به جامعه	روحیه کارآفرینی و تعلق خاطر نسبت به کاهش اندازه دولت	پرداخت حقوق و مزایا	تدابیر انگیزشی و تشویقی مدیران و کارکنان
راهبری شبکه‌ها	برآورده‌سازی اهداف	رعایت قوانین و رویه‌ها	نقش مدیران
خدمات شبکه‌ای	برون‌سپاری	انحصار ارائه خدمات توسط دولت	رویکرد ارائه خدمات
نبیل به ارزش همگانی	تأمین خواسته‌های مشتریان	اجرای خط‌مشی‌های سیاسی	اهداف کلیدی سیستم

## جهانی شدن<sup>۱</sup>

به دلیل چندوجهی و چندبعدی بودن، تعاریف زیادی در خصوص جهانی شدن ارائه شده است (محمدی و خواستار، ۱۳۹۳؛ شمیر، ۲۰۰۵؛ کلارک و نولز، ۲۰۰۳). از دیدگاه اقتصادی، کوکای آنجلینی (۲۰۱۱) جهانی شدن را ادغام اقتصاد ملی به اقتصاد بین‌المللی از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، جریان سرمایه، مهاجرت و نقش عمده آن در اطلاعات و ارتباطات از طریق پخش فناوری جدید بیان می‌کند. از دیدگاه اجتماعی، اوچی و اوزیوکو (۲۰۱۱) معتقدند جهانی شدن روند افزایش ارتباط متقابل میان جوامع است، به طوری که وقایع در بخشی از جهان بیشتر و بیشتر روی مردم و جوامع دور اثر می‌گذارد. کیم و باوک (۲۰۰۸) جهانی شدن را اساساً نوعی فرایند فناوری پیشرفته از تغییر به سوی افزایش ارتباط متقابل اطلاعاتی و ارتباطی و وابستگی متقابل کارکردی میان مردم سراسر جوامع و ملت‌ها می‌دانند.

## سنجش جهانی شدن

جهانی شدن به وسیله ترکیبی از دیدگاه‌ها نسبت به حاکمیت جهانی، پیشینه پژوهش‌ها و علل جهانی شدن در ابعاد مختلف سنجیده شده است که در زیر به تعدادی از آنها به طور خلاصه اشاره شده است:

**ابعاد فرهنگی / فنی:** وضعیت اینترنت و ارتباطات دیجیتال، وضعیت رسانه‌های صوتی و تصویری و وضعیت رسانه‌های چاپی (مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۹)؛ توسعه فناوری‌های اطلاعاتی، رشد صنعت توریسیم، رسانه‌های ارتباطی (ساروخانی و کروب، ۱۳۸۸)؛ لیبرال دموکراسی، سکولاریسم، عقل‌گرایی، اومانیسیم و فردگرایی، مصرف‌گرایی، ماتریالیسم، موسیقی راک و رپ و استقلال جوانان از خانواده‌های خود (غفوری و فداردی، ۲۰۱۰).

**بعد اقتصادی:** جهانی شدن تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی، مهاجرت نیروی کار، توسعه اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد رقابتی، تقسیم کار بین‌الملل و شرکت‌های چندملیتی (شهرام‌نیا، ۱۳۸۵).

**ابعاد سیاسی / اجتماعی:** جنبش‌های اجتماعی نوگرایانه، توسعه ارتباطات، مسائل زیست‌محیطی، سازمان‌ها و نهادهای فراملی، افزایش وابستگی متقابل کشورها به یکدیگر.

## آثار جهانی شدن بر مدیریت دولتی

در ارتباط با آثار جهانی شدن بر مدیریت دولتی، نویسندگان دیدگاه‌های متفاوتی بیان کرده‌اند:

کونته - مورگان (۲۰۰۶) معتقد است از دست دادن قدرت، مشروعیت و انسجام در درون دولت، تبعیت منافع عمومی و دولت به علایق بخش خصوصی، خصوصی شدن و ناپدید شدن ثبات دولت رفاه اجتماعی، پیامدهای این پدیده است. در همین رابطه به باور کیم (۲۰۰۸) جهانی شدن موجب بازسازی وظایف و خدمات دولت، خصوصی سازی، افزایش برون سپاری، مقررات زدایی، افزایش کوچک سازی، تقویت سازمان های دولتی فرامرزی، گسترش قدرت شرکت های چندملیتی و سایر مؤسسه های غیردولتی، آزادی و اختیار بیشتر برای سطوح پایین حکومت به دلیل انقلاب فناوری اطلاعات، وابستگی اقتصادی، مالی، سیاسی، فناوری و نظامی کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته شده است. ایکاک و متین (۲۰۱۲) کمک به توسعه شراکت بخش دولتی و خصوصی، به کارگیری اصول مدیریت بخش خصوصی در بخش دولتی و نقش مهم کاربردهای دولت الکترونیک در عملیات بخش دولتی سازمان های دولتی را جزئی از این آثار می دانند. پیر (۲۰۱۳) بحث می کند که هنوز در عصر جهانی شدن، دولت ها کنترل شایان توجهی را بر حاکمیت خانگی خود اعمال می کنند. مطالعه او بر این یافته صحت می گذارد که دولت منبع مهمی برای کنترل سیاسی است و گزینه های مقتدرانه ای را در تریبیت حاکمیت خانگی اعمال می کند. تغییرات نهادی بیشتر برای سازگاری با پدیده جهانی شدن صورت می گیرد، نه اینکه نتیجه جهانی شدن باشد.

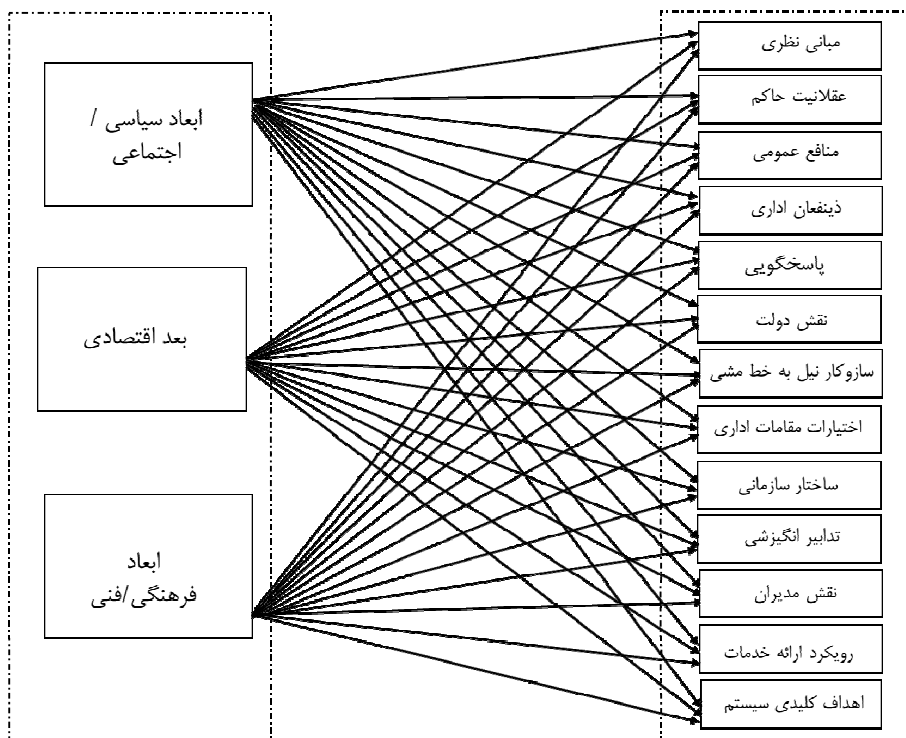
مته کایر (۲۰۰۴) سه دیدمان عمده برای آثار جهانی شدن مطرح کرده است؛ ۱. جهانی سازی به شکوفایی منفعت طلبی شخصی کمک کرده است که خود ضمان منفعت عامه است؛ ۲. با گسترش جهانی شدن، دولت های ملی به تدریج نقش سنتی خود را از دست می دهند و نوعی حکومت شرکت سالارانه شکل می گیرد؛ ۳. جهانی سازی به نوعی معاوضه می انجامد؛ یعنی دولت ها اهمیت خود را از دست نمی دهند، اما جهانی سازی ماهیت و منش مدیریت دولتی را دگرگون می سازد.

فرازمند (۱۹۹۹) با جمع بندی نظر اندیشمندان مدیریت دولتی، مهم ترین دلالت های ضمن جهانی شدن بر مدیریت دولتی را بدین شرح مطرح کرده است: ۱. تقویت سازمان های دولتی فرامرزی؛ ۲. گذر از دولت رفاه به دولت شرکتی؛ ۳. گسترش بوروکراسی سرکوب گر؛ ۴. افزایش شراکت دولت و بخش خصوصی در انجام خدمات عمومی؛ ۵. افزایش وابستگی دولت ها؛ ۶. تهدید حکمرانی دولت و تهدید دموکراسی؛ ۷. فساد و توانمندسازی نخبگان.

### مدل مفهومی پژوهش

با هدف بررسی اثرهای جهانی شدن بر مدیریت دولتی در ایران، مدل مفهومی این پژوهش به صورت شکل ۱ ترسیم شده است.





شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

- با در نظر گرفتن مدل مفهومی پژوهش، سه سؤال به شرح زیر مطرح می‌شود که لازم است با مراجعه به نظر خبرگان مدیریت دولتی بررسی شوند:
۱. جهانی شدن چقدر در ایران تحقق یافته است؟
  ۲. دیدمان مدیریت دولتی غالب در ایران کدام است؟
  ۳. آیا جهانی شدن بر مدیریت دولتی در ایران تأثیرگذار است؟

### روش‌شناسی پژوهش

با توجه به مدل پیاز در تحقیق ساندرز مدل پیاز تحقیق ساندرز (۲۰۰۳: ۱۰۸)، این پژوهش از نظر جهت‌گیری پژوهشی کاربردی است که فلسفه اثبات‌گرایی را در پیش گرفته و با رویکرد قیاسی و راهبرد پیمایشی، در افق زمانی تک‌مقطعی به اجرا درآمده است. جامعه آماری آن، استادان مدیریت دولتی دانشگاه‌های دولتی و آزاد شهر تهران (۹۲ نفر) هستند که به‌عنوان خبره علمی مدیریت

دولتی لحاظ شده اند. با توجه به جدول مورگان، حجم نمونه ۷۵ نفر تعیین شد و پرسشنامه‌ها به روش نمونه در دسترس در اختیار آنان قرار گرفت. گفتنی است که ۶۵ نفر (۸۷ درصد) از آنان به تکمیل پرسشنامه‌ها اقدام کردند. اعضای جامعه آماری، نه تنها در حوزه مدیریت خبرگان علمی هستند، بلکه با در نظر گرفتن فعالیت‌های علمی در حوزه جهانی شدن، از قبیل انتشار مقاله (۳۰/۵ درصد)، سخنرانی (۲۱/۱ درصد)، کارگاه آموزشی (۸/۴ درصد)، برگزاری همایش (۱۳/۷ درصد)، شرکت در کمیسیون‌ها یا کمیته‌های تخصصی (۳۲/۲ درصد) و کتاب (۲/۳ درصد)، می‌توان تا حدودی آنان را خبرگان علمی در زمینه جهانی شدن نیز به حساب آورد.

پرسشنامه در سه بخش تنظیم شد که بخش اول آن به مشخصات جمعیت‌شناسی، بخش دوم به سؤال‌های مدیریت دولتی (با اقتباس از الگوی ۱۳ بعدی دنهارت و دنهارت (۲۰۰۰)) در سه دیدمان اداره امور عمومی سنتی، مدیریت دولتی نوین و ارزش‌های همگانی و با توجه به مبانی نظری پژوهش) و بخش سوم به سؤال‌های سنجش جهانی شدن (در مقیاس شش درجه‌ای لیکرت و با توجه به مبانی نظری به صورت محقق ساخته) اختصاص دارد. به منظور بررسی روایی پرسشنامه، ضمن استفاده از مبانی نظری مرتبط، از صاحب نظران درباره محتوای پرسشنامه نظرخواهی به عمل آمد و برای سنجش اعتبار پرسشنامه نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برای بعد فرهنگی / فنی ۰/۸۶۵، بعد اقتصادی ۰/۹۳۳ و بعد سیاسی / اجتماعی ۰/۹۲۸ به دست آمد که این مقادیر (مقدار بیشتر از ۰/۷) نشان دهنده اعتبار نسبتاً زیاد پرسشنامه است.

### یافته‌های پژوهش

سؤال اول: جهانی شدن در ابعاد سه گانه فرهنگی / فنی، اقتصادی و اجتماعی / سیاسی چقدر در ایران تحقق یافته است؟ برای پاسخ به این سؤال از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است. همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، از دید خبرگان، جهانی شدن (ادراک شده) در ابعاد فرهنگی / فنی با میانگینی بیش از میانگین مفروض (۳/۵۰) تحقق یافته، ولی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی / سیاسی، میانگینی پایین تر از میانگین مفروض کسب کرده (t منفی) و تحقق نیافته است.

جدول ۲. آزمون T تک نمونه‌ای ابعاد فرهنگی / فنی، اقتصادی و سیاسی / اجتماعی متغیر جهانی شدن

ابعاد جهانی شدن	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	T	سطح معناداری	فاصله اطمینان ۹۵٪	
						کرانه پایین	کرانه بالا
فرهنگی / فنی	۳/۷۷۰۳	۰/۶۷۰۹۵	۶۴	۳/۲۴۸	۰/۰۰۲	۰/۱۰۴۱	۰/۴۳۶۶
اقتصادی	۲/۸۳۹۶	۰/۷۰۹۸۹	۶۴	-۷/۵۰۱	۰/۰۰۰	-۰/۸۳۶	-۰/۴۸۴۵
سیاسی / اجتماعی	۲/۹۵۰۵	۰/۷۳۲۷۴	۶۴	-۶/۰۴۶	۰/۰۰۰	-۰/۷۳۱	-۰/۳۶۷۹

سؤال دوم: دیدمان مدیریت دولتی غالب در ایران کدام است؟ از آزمون خی دو تک بعدی به منظور پاسخ به این سؤال استفاده شده است. با توجه به جدول ۳، دیدمان غالب، در تمام مؤلفه‌های مدیریت دولتی با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵، دیدمان اداره امور عمومی سنتی است و تنها در مؤلفه عقلانیت حاکم با سطح معناداری بیش از ۰/۰۵ دیدمان غالبی وجود ندارد.

جدول ۳. آزمون خی دو تک بعدی دیدمان مدیریت دولتی غالب

سطح معناداری	درجه آزادی	آزمون خی دو	شاخص‌ها	مؤلفه‌های مدیریت دولتی
۰/۰۰۰	۲	۳۷/۶۹۰	نظریه سیاسی	مبانی نظری
			نظریه اقتصادی	
			نظریه دموکراسی	
۰/۷۵۹	۲	۰/۵۵۲	انسان اداری	عقلانیت حاکم
			انسان اقتصادی	
			انسان اقتصادی، سیاسی و سازمانی	
۰/۰۰۰	۲	۳۰/۴۰۶	دیدگاه سیاسی	منافع عمومی
			تجمع منافع فردی	
			ارزش‌های توافقی مشترک	
۰/۰۰۰	۲	۱۷/۴۴۳	ارباب رجوع و نمایندگان مجلس	ذی نفعان اداری
			مشتریان	
			شهروندان	
۰/۰۰۰	۲	۹۰/۰۳۱	دخالت مستقیم (پاروزنی)	نقش دولت در اجرای خطمشی غیردولتی
			هدایت کلی (تسهیل کننده و راهبر)	
			میانجیگری بین نهادهای بخش خصوصی و غیردولتی	
۰/۰۰۰	۲	۴۳/۵۸۱	برنامه‌های اداری	سازوکار نیل به خطمشی
			سازوکار مشارکت نهادهای بخش خصوصی و غیردولتی	
			ائتلافی از نهادهای دولتی و غیردولتی	
۰/۰۰۰	۲	۵۴/۹۴۹	سلسله مراتب	پاسخگویی
			مشتریان (بازار محور)	
			چندوجهی (ذی نفعان)	

## ادامه جدول ۳

سطح معناداری	درجه آزادی	آزمون خی دو	شاخصها	مؤلفه‌های مدیریت دولتی
۰/۰۰۰	۲	۳۶/۵۰۰	اختیارات محدود اداری	اختیارات اداری مقامات دولتی
			آزادی عمل گسترده	
			اختیارات پاسخگوپانه	
۰/۰۰۰	۲	۹۹/۷۸۱	ساختارهای بوروکراتیک	ساختار سازمانی
			ساختارهای نامتمرکز و منعطف	
			ساختار شبکه‌ای مبتنی بر همکاری ذی‌نفعان	
۰/۰۰۰	۲	۱۱۴/۲۸۶	پرداخت حقوق و مزایا	مبانی انگیزش
			فضای کارآفرینی	
			خدمتگزاری به جامعه	
۰/۰۰۰	۲	۸۶/۱۶۱	رعایت قوانین و رویه‌ها	نقش کلیدی مدیران
			برآورده‌سازی اهداف	
			راهبری شبکه‌ها	
۰/۰۰۰	۲	۶۶/۰۳۴	انحصار ارائه خدمات توسط دولت	رویکرد ارائه خدمات
			برون‌سپاری	
			خدمات شبکه‌ای	
۰/۰۰۰	۲	۱۰۸/۶۶۷	اجرای خط‌مشی‌های سیاسی	اهداف کلیدی سیستم
			تأمین خواسته‌های مشتریان	
			نبیل به ارزش همگانی	

سؤال سوم: آیا جهانی‌شدن بر مدیریت دولتی در ایران تأثیرگذار است؟ از آزمون رگرسیون لجستیک چندوجهی به منظور بررسی تأثیر هر یک از ابعاد جهانی‌شدن بر هر یک از مؤلفه‌های مدیریت دولتی (متغیر اسمی چندوجهی) استفاده شده است.

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، از دید خبرگان مدیریت دولتی، ابعاد فرهنگی / فنی و سیاسی / اجتماعی بر مؤلفه‌های پایه نظری و ذی‌نفعان اداری و بعد اقتصادی بر مؤلفه‌های پاسخگویی و اختیارات اداری مقامات دولتی با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ تأثیر گذاشته‌اند، باقی مؤلفه‌ها با سطح معناداری بیش از ۰/۰۵ بی‌تأثیر بوده‌اند.

جدول ۴. نتایج آزمون رگرسیون لجستیکی چندوجهی تأثیر جهانی شدن بر مدیریت دولتی

ضریب تعیین کاکس	Exp (B)	سطح معناداری	درجه آزادی	اماره والد	B	ابعاد جهانی شدن	مؤلفهها	ابعاد مدیریت دولتی
۰/۳۱۹	۰/۱۱۴	۰/۰۸۳	۱	۳/۰۱	-۲/۱۷	سیاسی / اجتماعی	نظریه دموکراسی	نظریه غالب
	۵/۶۲	۰/۰۹۳	۱	۲/۸۱	۱/۷۳	فرهنگی / فنی		
	۱/۰۴	۰/۹۱۴	۱	۰/۰۰۱	۰/۰۴	اقتصادی		
	۰/۰۸	۰/۰۰۲	۱	۹/۵۳	-۴/۸۳	سیاسی / اجتماعی	نظریه اقتصادی	
	۳۳/۱	۰/۰۱۳	۱	۶/۱۱	۳/۱۴	فرهنگی / فنی		
	۵/۳۳	۰/۴۴۲	۱	۱/۲۶	۱/۶۷	اقتصادی		
۰/۰۶۲	۱/۱۳	۰/۸۴۴	۱	۰/۰۳۹	-۰/۱۲۸	سیاسی / اجتماعی	انسان اقتصادی - سیاسی	عقلانیت حاکم
	۰/۵۵	۰/۲۶۸	۱	۰/۸۱۲	-۰/۵۸	فرهنگی / فنی		
	۰/۶۲	۰/۵۰۸	۱	۰/۴۳۹	-۰/۴۶	اقتصادی		
	۰/۷۰	۰/۵۶۶	۱	۰/۳۳۹	-۰/۳۴	سیاسی / اجتماعی	انسان اقتصادی	
	۰/۹۰	۰/۸۷۸	۱	۰/۰۲۳	-۰/۰۹	فرهنگی / فنی		
	۰/۷۸	۰/۷۰۰	۱	۰/۱۲۸	-۰/۳۴	اقتصادی		
۰/۰۶۵	۱/۵۳	۰/۵۶۰	۱	۰/۳۳	۰/۴۲	سیاسی / اجتماعی	ارزش‌های توافقی	منافع عمومی
	۱/۴۵	۰/۵۳۵	۱	۰/۲۸	۰/۳۷	فرهنگی / فنی		
	۰/۸۹	۰/۸۸۵	۱	۰/۰۲	-۰/۱۱	اقتصادی		
	۳/۰۱	۰/۲۱۳	۱	۱/۵۵	۱/۱۰	سیاسی / اجتماعی	تجميع منافع فردی	
	۱/۹۱	۰/۳۷۰	۱	۰/۸۰	۰/۶۵	فرهنگی / فنی		
	۰/۲۶	۰/۱۸۶	۱	۱/۲۴	-۱/۳۳	اقتصادی		
۰/۳۳۸	۱/۳۱	۰/۷۱۶	۱	۰/۱۳	۰/۳۷	سیاسی / اجتماعی	شهروندان	ذی‌نفعان اداری
	۰/۸۴	۰/۷۹۸	۱	۰/۰۶	-۰/۱۷	فرهنگی / فنی		
	۰/۴۹	۰/۷۶۹	۱	۰/۰۸	-۰/۳۳	اقتصادی		
	۸/۵۷	۰/۰۳۱	۱	۴/۶۴	۲/۱۴	سیاسی / اجتماعی	مشتریان	
	۱۳/۷	۰/۰۳۵	۱	۴/۲۳	۲/۶۲	فرهنگی / فنی		
	۰/۵۹	۰/۵۹۹	۱	۰/۲۷	-۰/۵۱	اقتصادی		

ادامه جدول ۴

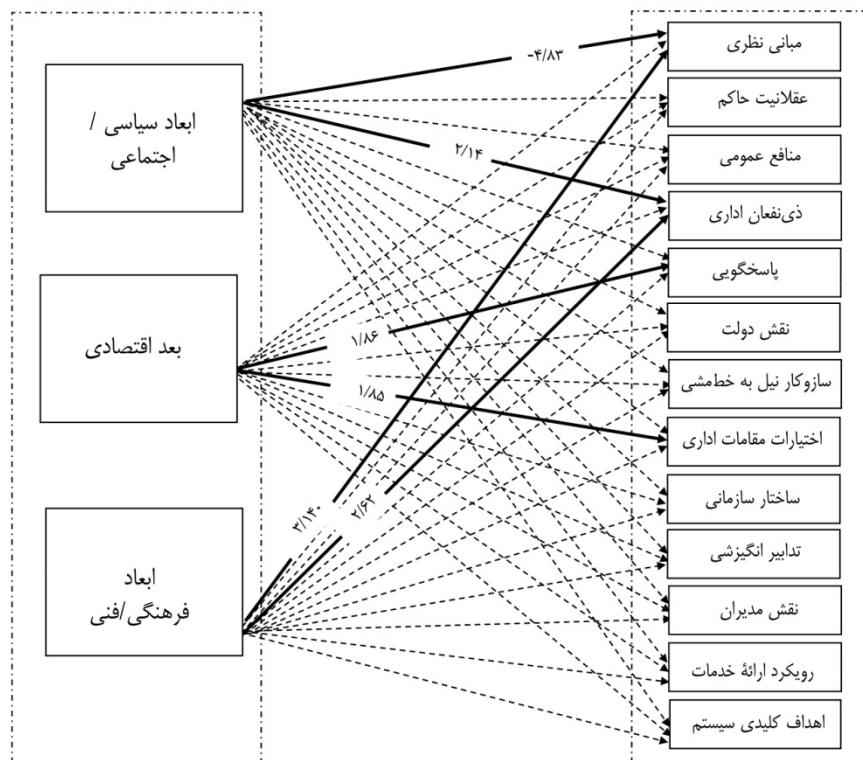
ابعاد مدیریت دولتی	موقعیها	ابعاد جهانی شدن	B	آماره و آلود	درجه آزادی	سطح مفاداری	Exp (B)	ضریب تعیین کاکس	
تقس دولت در اجرای خطمی	میانجگری	سیاسی / اجتماعی	-۱/۲۳	۰/۲۹	۱	۰/۵۸۷	۰/۲۹	۰/۱۰۶	
		فرهنگی / فنی	-۰/۵۸	۰/۰۵	۱	۰/۸۲۳	۰/۵۵		
		اقتصادی	-۰/۸۳	۰/۱۵	۱	۰/۶۹۶	۰/۳۳		
		سیاسی / اجتماعی	-۰/۲۱	۰/۰۸	۱	۰/۹۳۰	۰/۸۰		
		فرهنگی / فنی	-۱/۶۶	۰/۲۶	۱	۰/۲۹۴	۰/۱۵		
	اهدایت کلی	اقتصادی	-۱/۵۰	۰/۲۰	۱	۰/۵۲۴	۰/۲۲	۰/۲۲	
		سیاسی / اجتماعی	-۱/۸۲	۱/۶۶۱	۱	۰/۲۶۱	۰/۳۵	۰/۳۵	
		فرهنگی / فنی	-۰/۵۵	۰/۰۰۸	۱	۰/۹۲۹	۱/۰۵	۱/۰۵	
		اقتصادی	-۰/۶۸	۰/۸۹	۱	۰/۳۳۴	۱/۸۷	۱/۸۷	
		سیاسی / اجتماعی	۱/۳۹۹	۱/۳۹۸	۱	۰/۳۳۷	۴/۰۵	۴/۰۵	
سازوکار تیل به خطمی	شرکت دولتی و خصوصی	فرهنگی / فنی	۱/۳۹۵	۱/۳۱۹	۱	۰/۳۳۴	۴/۴۶	۰/۱۲۳	
		اقتصادی	-۱/۸۵	۲/۰۸۸	۱	۰/۱۴۸	۰/۱۳		
		سیاسی / اجتماعی	-۱/۲۶۲	۲/۹۴۴	۱	۰/۰۶۶	۰/۲۸		
		فرهنگی / فنی	-۱/۰۱۹	۱/۵۶۱	۱	۰/۱۷۳	۰/۲۶		
		اقتصادی	۱/۵۶۴	۴/۵۹۲	۱	۰/۰۲۳	۶/۳۳		
	پاسخگویی	مشتیان بازار (مجموعه)	سیاسی / اجتماعی	-۰/۱۰۲	۰/۰۰۴	۱	۰/۹۵۰	۰/۹۰	۰/۱۱۵
			فرهنگی / فنی	-۱/۲۰۷	۰/۸۱۷	۱	۰/۳۹۷	۰/۲۹	
			اقتصادی	۰/۳۹۱	۰/۰۴۱	۱	۰/۸۳۹	۰/۲۷	
			سیاسی / اجتماعی	-۰/۷۷۱	۱/۱۶۴	۱	۰/۲۸۱	۰/۲۶	
			فرهنگی / فنی	۰/۱۱۱	۰/۰۳۷	۱	۰/۸۳۷	۱/۸۱	
اختیارات اداری مقامات دولتی	آزادی عمل گسترده	سیاسی / اجتماعی	۱/۵۸۷	۴/۳۳۵	۱	۰/۰۳۵	۶/۳۰	۰/۱۳۹	
		اقتصادی	-۱/۶۶۰	۲/۶۸۲	۱	۰/۱۳۱	۰/۳۳		
		فرهنگی / فنی	۰/۶۵۴	۰/۷۵۲	۱	۰/۳۵۶	۱/۹۲		
		اقتصادی	۱/۷۱۰	۲/۳۵۷	۱	۰/۱۲۵	۵/۵۲		
		سیاسی / اجتماعی	-۱/۳۳۳	۰/۸۷۴	۱	۰/۳۵۰	۰/۲۳		
	ساختار سازمانی	ساختار مبتنی بر همکاری ذی‌بفان	فرهنگی / فنی	-۰/۴۶۷	۰/۱۰۷	۱	۰/۲۴۴	۰/۶۲	۰/۱۰۴
			اقتصادی	۱/۶۱۳	۰/۸۱۱	۱	۰/۲۶۸	۵/۰۱	

ادامه جدول ۴

ضریب تعیین کاکس	Exp (B)	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره والد	B	ابعاد جهانی شدن	مؤلفهها	ابعاد مدیریت دولتی
-۰/۸۴	۲/۸۵	۰/۶۰۰	۱	۰/۲۷۵	۱/۰۸۳	سیاسی / اجتماعی	ساختار نامتمرکز و منعطف	ساختار سازمانی
	۰/۸۹	۰/۴۰۵	۱	۰/۶۹۴	-۱/۶۱۴	فرهنگی / فنی		
	۳/۷۷	۰/۵۵۷	۱	۰/۳۳۵	۱/۳۳۸	اقتصادی		
	۷۵/۲	۰/۳۷۰	۱	۰/۸۰۲	۴/۳۳۰	سیاسی / اجتماعی	خدمتگاری به جامعه	مبانی انگیزش
-۰/۱۱۳	۲/۱۶	۰/۵۵۷	۱	۰/۳۳۵	-۰/۸۱۹	فرهنگی / فنی		
	۰/۴۰	۰/۷۸۶	۱	۰/۰۷۴	-۰/۹۱۱	اقتصادی		
	۶۶۳۱/۵۰۴	۰/۱۲۶	۱	۲/۱۱۳	۸/۸۰۰	سیاسی / اجتماعی	فضای کارآفرینی	
	۵/۷۳	۰/۳۳۱	۱	۰/۱۱۸	۱/۷۳۸	فرهنگی / فنی		
	۰/۱۴	۰/۷۰۸	۱	۰/۱۴۱	-۱/۹۰۹	اقتصادی		
	۰/۸۶	۰/۴۳۰	۱	۰/۶۲۳	-۱/۷۹۷	سیاسی / اجتماعی	راهبری شبکهها	
-۰/۱۱۴	۰/۳۳	۰/۶۲۶	۱	۰/۲۲۴	-۱/۰۹۲	فرهنگی / فنی		
	۶/۵۱	۰/۴۶۲	۱	۰/۵۴۱	۱/۸۷۵	اقتصادی		
	۱/۴۸	۰/۸۸۳	۱	۰/۰۲۶	۰/۳۹۳	سیاسی / اجتماعی	برآورد مسأله‌های اهداف	نقش کلیدی مدیران
	۰/۸۸	۰/۴۹۵	۱	۰/۴۶۶	-۱/۶۹۶	فرهنگی / فنی		
	۴/۹۸	۰/۵۵۲	۱	۰/۳۵۳	۱/۶۰۶	اقتصادی		
	۰/۲۶	۰/۴۰۰	۱	۰/۷۰۹	-۱/۰۰۱	سیاسی / اجتماعی	خدمات شبکه‌ای	
-۰/۰۶۴	۰/۸۶	۰/۹۰۱	۱	۰/۰۱۶	--۱/۳۶۶	فرهنگی / فنی		
	۱/۷۵	۰/۶۸۷	۱	۰/۱۶۲	-۰/۵۵۹	اقتصادی		
	۰/۳۵	۰/۴۴۴	۱	۰/۵۵۵	-۱/۰۴۶	سیاسی / اجتماعی	برون‌سپاری	رویکرد ارائه خدمات
	۰/۸۲	۰/۸۸۷	۱	۰/۰۲۰	--۰/۱۹۵	فرهنگی / فنی		
	۵/۲۶	۰/۲۸۶	۱	۱/۱۲۸	۱/۶۷۹	اقتصادی		
	۷۴/۹	۰/۳۷۱	۱	۰/۸۰۰	۴/۳۱۷	سیاسی / اجتماعی	نیل به ارزش همگانی	اهداف کلیدی سیستم
-۰/۰۱۰۶	۲/۲۶	۰/۵۵۸	۱	۰/۳۴۳	۰/۸۱۷	فرهنگی / فنی		
	۰/۴۰	۰/۷۸۶	۱	۰/۰۷۴	--۰/۹۱۰	اقتصادی		
	۶۵۵/۰۷۷	۰/۲۰۶	۱	۱/۵۹۶	۶/۴۸۵	سیاسی / اجتماعی	تامین خواسته‌های مشتریان	
	۹/۱۲	۰/۴۱۲	۱	۰/۶۷۴	۲/۲۱۱	فرهنگی / فنی		
۰/۲۰	۰/۶۸۰	۱	۰/۱۷۰	-۱/۵۷۲	اقتصادی			

### مدل نهایی پژوهش

همان گونه که در شکل ۲ مشاهده می‌کنید با توجه به نتایج به دست آمده، تأثیر هر یک از ابعاد متغیر جهانی شدن بر مؤلفه‌های مدیریت دولتی (با توجه به مقدار B) به صورت خط ممتد و بی‌تأثیر بودن آن با خط چین نشان داده شده است.



شکل ۲. مدل نهایی پژوهش

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

جهانی شدن چه به صورت خودجوش یا برنامه‌ریزی شده و تحمیلی، پدیده‌ای است که نمی‌توان تأثیرات آن را نادیده گرفت و همانند شمشیر دو لبه، فرصت‌ها و تهدیدهایی را پیش روی هر کشوری قرار می‌دهد. حال این دولت‌مردان هستند که با سیاست‌ها و برنامه‌های خود در برابر این پدیده روبه‌رشد و واکنش‌های متفاوتی چون مقاومت، تعامل سازنده یا تقلید کامل نشان می‌دهند.



با امعان نظر به یافته‌های این پژوهش، در کشور ما جهانی شدن بیشترین تأثیر را در ابعاد فرهنگی / فنی برجای گذاشته است. ریشه این تأثیرگذاری را می‌توان بیشتر در گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی دانست. در همین رابطه، بروسی و آلبرتی (۲۰۰۳) معتقدند جهانی شدن تکنولوژی، نه تنها رشد انفجاری تبادل اطلاعات از طریق اینترنت را به ارمغان آورد، بلکه به گسترش فرصت‌های آموزشی و ایجاد شبکه‌های فراملی اجتماعی کمک کرد.

چنانچه موافق جهانی شدن در ابعاد فرهنگی / فنی کشور خود باشیم و آن را پدیده‌ای برای از بین بردن تعصبات قومی، توسعه زبان مشترک، افزایش دستیابی به اطلاعات و... بدانیم، باید زمینه‌های ارتباط با سایر کشورها را از طریق گفتمان‌های چندجانبه درباره مسائل مشترک، شناساندن فرهنگ، دین، موسیقی، سنت‌ها، تاریخ و ادبیات کشور خود به سایر کشورها با توجه به ناهمخوانی فرهنگ‌ها با یکدیگر، فراهم کنیم. اما چنانچه با نگاه انتقادآمیز، آن را موجب گسترش هسته مشترک فرهنگی و از بین رفتن فرهنگ‌های قومی و قبیله‌ای، هویت ملی و ترویج فرهنگ غربی بدانیم، باید به شناسایی جایگاه موقعیت خود در جهان امروز و حفظ هویت اسلامی - ایرانی از طریق گسترش ارزش‌های اسلامی، افزایش سطح آگاهی و رشد مردم برای مقابله با تهاجمات فرهنگی غرب بپردازیم تا بتوانیم سرعت این پدیده رو به رشد را در کشور کاهش دهیم.

یافته‌ها نشان می‌دهد جهانی شدن در بعد اقتصادی در ایران تحقق نیافته است. نتیجه بیان شده به این معنا نیست که جهانی شدن در بعد اقتصادی اصلاً تأثیرگذار نبوده، بلکه تأثیرگذاری آن معنادار نیست. چنانچه نگاه خوش بینانه‌ای به جهانی شدن در بعد اقتصادی داشته باشیم و آن را موجب از بین رفتن فقر، افزایش تجارت، افزایش تولید و اشتغال و... بدانیم؛ دولت می‌تواند رویکرد خود را در تعیین خط‌مشی‌گذاری، بر پایه جذب مشارکت بخش خصوصی و استفاده از سرمایه‌گذاران قرار دهد. ولی چنانچه با نگاه منتقدانه‌ای به جهانی شدن در این بعد بنگریم و معتقد باشیم که جهانی شدن باعث گسترش فقر در بین کشورهای در حال توسعه، افزایش شکاف میان فقیر و غنی و افزایش وابستگی کشورهای جهان سوم به کشورهای توسعه یافته می‌شود؛ خط‌مشی اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولید داخلی، خودکفایی و حمایت از طرح‌های نخبگان کشور در جهت توسعه اقتصاد را می‌توان نمونه‌هایی از جهت‌گیری مبتنی بر چنین رویکردی معرفی کرد.

با توجه به یافته‌های پژوهش، جهانی شدن در بعد سیاسی / اجتماعی تحقق نیافته است. با نگاه خوش بینانه به دلیل ارتقای دموکراسی و رشد فرهنگ سیاسی، افزایش تعامل میان دولت‌ها، تقویت جامعه مدنی و...، جهانی شدن در بعد سیاسی / اقتصادی ضروری است. برای گسترش این پدیده، مشارکت هر چه بیشتر دولت با شهروندان و جامعه مدنی در اکثر مسائل و استفاده از

نخبگان در حوزه‌های سیاسی / اجتماعی پیشنهاد می‌شود. با نگاه منتقدانه به جهانی‌شدن در بعد سیاسی / اجتماعی که موجب کم‌رنگ‌شدن نقش جوامع محلی، تحمیل سیاست قدرت‌های فراملی به کشورهای جهان سوم، کاهش اقتدار دولت‌ها و ... می‌شود؛ باید از عضویت در سازمان‌های فراملی صرف‌نظر کنیم.

همان‌گونه که از یافته‌های پژوهش مشخص شد، جهانی‌شدن بر مبنای نظری مدیریت دولتی در ایران اثرگذار بوده است. مطالعات رودرا (۲۰۰۵) با بررسی رابطه جهانی‌شدن و دموکراسی نشان می‌دهد دموکراسی در ایران افزایش یافته است. از آنجا که به تمرکز صرف بر پایه نظری علوم سیاسی در اداره امور عمومی سنتی انتقاد شده است، این انتظار وجود دارد که در آینده نزدیک دیدمان‌های جایگزینی در اداره امور کشور مطرح شود. هر چند در قانون مدیریت خدمات کشوری و برنامه چهارم، توسعه نظریه اقتصادی بیشتر در کانون توجه قرار گرفته است؛ بر طبق سیاست‌های کلی نظام اداری مقام معظم رهبری به‌عنوان قرائت رسمی و جهت‌گیری دولت با رویکرد آینده مطلوب در چشم‌انداز ۱۴۰۴ (زهنورد، ۱۳۹۱)، مدیریت دولتی ایران در آینده مطلوب باید به‌سوی تلفیقی از ارزش‌های همگانی و متعالی حرکت کند. بنابراین بر انجام تمهیدات لازم برای استقرار مدیریت ارزش‌های همگانی تأکید می‌شود و باید مبنای آن در تدوین خط‌مشی‌های بهبود نظام اداری و همچنین برنامه‌های توسعه پنج‌ساله مدنظر قرار گیرد.

براساس یافته‌های پژوهش، جهانی‌شدن بر اختیارات اداری مقامات دولتی در مدیریت دولتی ایران اثرگذار بوده است. با تغییراتی که جهانی‌شدن در این زمینه ایجاد کرده است، دیگر اختیارات مقامات دولتی محدود نیست، آنها می‌توانند اهداف کارآفرینانه خود را بیان و اجرا کنند.

بر مبنای یافته‌های پژوهش، ذی‌نفعان اداری در مدیریت دولتی تحت تأثیر جهانی‌شدن قرار گرفته‌اند. با این رویکرد، دفاع از پذیرش تنها ارباب‌رجوع و نمایندگان مجلس در دیدمان اداره امور عمومی سنتی به‌عنوان ذی‌نفعان اداری، امکان‌پذیر نیست. با امعان نظر به حرکت به سوی دیدمان ارزش‌های همگانی، باید کلیه شهروندان را ذی‌نفعان محسوب کرد و فقط افرادی که در غالب مشتری هستند، مدنظر قرار نگیرند.

نتایج نشان می‌دهد جهانی‌شدن بر پاسخگویی مدیریت دولتی ایران تأثیرگذار بوده است. با این دیدگاه دیگر نمی‌توان پاسخگویی را بر مبنای سلسله‌مراتب قرار داد. با توجه به دیدمان ارزش‌های همگانی، جهت‌گیری پاسخگویی باید همه اقشار جامعه را پوشش دهد.

فعالیت‌های پژوهشی در کشور عموماً همراه با محدودیت‌ها و موانع است که این موضوع را می‌توان از جنبه‌های مختلف بررسی کرد. این پژوهش نیز با محدودیت‌هایی به شرح زیر مواجه بوده است:

- محدودیت ذاتی پرسشنامه: با توجه به اینکه پرسشنامه، ادراک افراد از واقعیت را می‌سنجد، احتمال دارد این ادراک با واقعیت کاملاً تطبیق نداشته باشد. این امر در تحقیق حاضر نیز مصداق دارد.
- محدودیت جامعه آماری: از آنجا که جامعه آماری این پژوهش اساتید رشته مدیریت دولتی بودند و بیشتر این افراد تجربه اجرایی در بخش دولتی را ندارند، این محدودیت که خبرگان انتخابی تنها تجربه علمی هستند را نباید نادیده گرفت.
- محدودیت تعمیم: با توجه اینکه یافته‌های این پژوهش بر مبنای ادراک اعضای هیئت علمی از گسترش جهانی شدن و مؤلفه‌های مدیریت دولتی صورت گرفته است، در تعمیم یافته‌های آن باید جانب احتیاط را رعایت کرد.
- محدودیت تکنیک آماری: با استفاده از رگرسیون لجستیک چندوجهی در این پژوهش، محدودیت توان آماری این تکنیک را نباید نادیده گرفت.

با توجه به مسائلی جدیدی که طی اجرای این پژوهش برای پژوهشگر مطرح شد، پیشنهاد می‌شود، تحقیقات تکمیلی در زمینه جهانی شدن دنبال شود. تحقیق حاضر ادراک خبرگان مدیریت دولتی نسبت به آثار جهانی شدن را تبیین می‌کند، توصیه می‌شود از دیدگاه‌های مدیران ارشد نظام اداری، تأثیر جهانی شدن بر مدیریت دولتی ایران بررسی شود. در این پژوهش جهانی شدن با ابعاد اقتصادی، اجتماعی / سیاسی و فرهنگی / فنی سنجیده شده است، در تحقیقات آتی می‌توان جهانی شدن را با ابعاد گسترده از قبیل ملاحظات زیست محیطی، کیفی و حقوقی سنجید. در تحقیقات آتی برای بررسی تأثیر جهانی شدن بر مدیریت دولتی، می‌توان متغیرهای احتمالی تعدیل کننده یا میانجی مانند متغیرهای محیطی را در نظر گرفت. در این پژوهش برای هر یک از ابعاد جهانی شدن از قبیل فرهنگی / فنی، سیاسی / اجتماعی و اقتصادی، شاخص‌هایی شناسایی شده است، امکان دارد که شاخص‌های دیگری نیز وجود داشته باشد؛ پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی این شاخص‌ها شناسایی و سنجیده شوند.

## References

- Aderibigbe, Morenikeji, A., Olla & Oluwafemi, J. (2014). Towards A Theoretical Definition of Public Administration. *IOSR Journal of Business and Management (IOSR-JBM)*, 16(3), 65-70.
- Akindele, S. T., Olaopa, O. R., & Obiyan, A. S. (2002). The theory of public administration and its relevance to Nigerian administrative ecology. *Journal of Social Science*, 6(4), 247-256.

- Aykac, B. & Metin, H. (2012). The future of public organizations, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 62, 468-472.
- Bayat, B., & Azadvary, A. A. (2010). Impacts of globalization on national identity and global identity (with an emphasis on modern communication media). *Journal of Social Security Studies*, 22, 83-104. (in Persian)
- Bertucci, G., & Alberti, A. (2003). Globalization and the Role of the State: Challenges and Perspectives. *Reinventing Government for the Twenty-First Century, State Capacity in a Globalizing Society/Rondinelli DA, Cheema G. Shabbir (editors).*—Westport, Connecticut (USA): Kumarian Press Inc, 17-31.
- Castells, M. (2008). The new public sphere: Global civil society, communication networks, and global governance. *The ANNALS of the American academy of Political and Social Science*, 616(1), 78-93.
- Clark, T. & Knowles, L. L. (2003). Global myopia: globalization theory in international business. *Journal of International Management*, 9(4), 361-372.
- Conteh-Morgan, E. (2006). Globalization, state failure, and collective violence: The case of Sierra Leone. *International Journal of Peace Studies*, 11(2), 87-104.
- Croci Angelini, E. (2011). Globalization and public administration: a complex relationship. *International Journal of Public Administration*, 34(1-2), 4-12.
- Denhardt, R. B. (1984). *Theories of Public Administration*. Pacific Grove, California: Brooks/Cole Publishing Co.
- Denhardt, R. B., & Denhardt, J. V. (2000). The new public service: Serving rather than steering. *Public administration review*, 60(6), 549-559.
- Farazmand, A. (1999). Globalization and public administration. *Public administration review*, 509-522.
- Farazmand, A. (2009). Building Administrative Capacity for the Age of Rapid Globalization: A Modest Prescription for the Twenty-First Century. *Public Administration Review*, 69(6), 1007-1020.
- Fiss, P. C., & Hirsch, P. M. (2005). The discourse of globalization: Framing and sensemaking of an emerging concept. *American Sociological Review*, 70(1), 29-52.
- Ghaffaury, A., & Fadardi, J. S. (2010). Role of social psychology in protecting native values in the process of globalization. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 5, 1961-1966.
- Göksel, N. K. (2004). Globalisation and the State. *Studies*, 25(3), 345-354.

- Guogis, A. (2013). Considering the negative impacts of globalization on the social sphere and the alternative of the new governance. *Sveikatos Politika ir Valdymas*, 5(1), 7-14.
- Hess, M., & Adams, D. (2007). Innovation in public management: the role and function of community knowledge. *The Innovation Journal: The Public Sector Innovation Journal*, 12(1), 1-20.
- Huddleston, M. W. (2000). Onto the darkling plain: globalization and the American public service in the twenty-first century. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 10(4), 665-684 .
- Huque, A. S., & Yep, R. (2003). Globalization and reunification: administrative reforms and the China–Hong Kong convergence challenge. *Public Administration Review*, 63(2), 141-152.
- Ibrahim, A. A. (2013). The impact of globalization on Africa. *International Journal of Humanities and Social Science*, 3(15), 85-93.
- Johnston, J. (2015). Public administration: Organizational aspects. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, 2nd edition, 19, 521-525.
- Jreisat, J. E. (2005). Comparative public administration is back in, prudently. *Public Administration Review*, 65(2), 231-242.
- Kim, C. K. (2008). Public administration in the Age of globalization. *International Public Management Review*, 9(1), 39-55.
- Kim, Y. Y., & Bhawuk, D. P. (2008). Globalization and diversity: Contributions from intercultural research. *International Journal of Intercultural Relations*, 32(4), 301-304.
- Kjaer, A. M. (2004). *Governance: Key Concepts*, Cambridge: Polity Press.
- Marume, S. B. M. (2016). Meaning of Public Administration. *Journal of Research in Humanities and Social Science*, 4(6), 15-20.
- Meehan, E. M. (2003). From Government to Governance, Civic Participation and 'new Politics': *The Context of Potential Opportunities for the Better Representation of Women*. Centre for Advancement of Women in Politics, Queen's University Belfast.
- Meenu, D. (2013). Impact Of Globalization And Libralisation On Indian Administration. *International Journal of Marketing, Financial Services & Management Research*, 2(9), 120-125.
- Modir Shanehchi, M. (2000). Communications and its role in today's world. *Journal of Foreign Policy*, 4, 374-387. (in Persian)

- Mohammadi, F. & Khastar, H. (2014). The effect of triple indicators of globalization on the human resources building: A panel data study from 2005 to 2011. *International Journal of Public Administration*, 6(3), 561-582. (in Persian)
- Nsibambi, A. (2001). The effects of globalization on the state in Africa: Harnessing the benefits and minimizing the costs. *UN General Assembly, Second Committee, Panel Discussion on Globalization and the State*.
- Oji, A. E., & Ozioko, M. V. C. (2011). Effect of Globalization on Sovereignty of States. *Nnamdi Azikiwe University Journal of International Law and Jurisprudence*, 2, 256-270.
- Pierre, J. (2013). *Globalization and Governance*, USA: Edward Elgar.
- Rahnavard, F. (2011). Public administration model for the realization of the sovereignty balance perspective 1404. *Journal of Public Administration Perspective*, 6, 43-58. (in Persian)
- Rudra, N. (2005). Globalization and the Strengthening of Democracy in the Developing World. *American Journal of Political Science*, 49(4), 704-730.
- Sarokhani, B. & Karubi, Z. (2009). The Process of Globalization and Its Impact on The Media Role on Iranian Culture. The Case of TV. *Journal of Social Sciences*, 16 (47), 37-73. (in Persian)
- Saunders, M.N.K., Lewis, P. & Thornhill, A. (2003). Research methods for business students (3rd Ed). *Harlow: FT Prentice Hall*.
- Sezen, S. (2001). The impact of globalization on the organization of Public Administration: Turkish Case. *Turkish Public Administration Annual*, 27, 28.
- Shahramnia, A. M. (2006). Globalization and democracy in Iran. Tehran. *Contemporary look*. (in Persian)
- Shamir, R. (2005). Without borders? Notes on globalization as a mobility regime. *Sociological theory*, 23(2), 197-217.
- Shirody, M. (2005). Globalization in a critical perspective with regard to Iran, threats of globalization in developing countries, *Journal of Strategy*, 36, 123-155. (in Persian)
- Waldo, D. (1975). *Education for Public Administration in Seventies*, in *American Public Administration: past, present, and future*, Mosher F.C. (Ed.), University of Alabama Press.